

## نقش وکلای ائمه در ایجاد امنیت در کرمانشاه

شهزاد نقدی<sup>1</sup>، حسن جوادی نیا<sup>2</sup>، حمزه علی بهرامی<sup>3</sup>

تاریخ دریافت: 1397/02/02  
تاریخ پذیرش: 1397/04/21

از صفحه 49 تا 76

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی  
سال پنجم، شماره هفدهم، تابستان 1397

### چکیده

بررسی چگونگی نقش ائمه اطهار در گسترش تشیع از جمله موضوعاتی است که نیاز به تحقیق دارد تا بتوان دریافت که این فعالیت با چه سازوکاری توانسته است در راستای تلاش ائمه و به صورت مدیریت شده، تشیع را گسترش بدهد. بر اساس این ملاک تلاش بر آن بود تا با توجه به پیشینه تشیع در استان کرمانشاه و ارتباط مرزنشینان با امامان شیعه به بررسی نقش وکلا و نمایندگان ائمه در تاریخ تشیع پرداخته گردد. این موضوع از آن رو حائز اهمیت است که مخاطب با مطالعه آن ضرورت تأسیس چنین تشکیلاتی را به خوبی درک می نماید. این نوشتار باهدف بررسی کیفیت نحوه حضور نمایندگان ائمه (ع) در مناطق مرزی به تحلیل ارتباط ساکنان منطقه با ائمه اطهار می پردازد. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی با تکیه بر منابع دست اول و تحقیقات معاصران بوده است. یافته تحقیق حاکی از آن است که گرچه برخی از محققان معتقدند نواحی غربی ایران، کمتر محل سکناى شیعیان بوده، ولی با توجه به قراین موجود، به خصوص در مورد دینور، قرمیسین و حلوان می توان به طور قطع مدعی وجود مناطق شیعه نشین در غرب ایران و به تبع آن، ارتباط سازمان وکالت با این ناحیه شد.

### کلید واژه ها

مرز، امنیت، وکلای اهل بیت، تشیع، قرمیسین، دینور، حلوان.

1- کارشناسی ارشد شیعه شناسی گرایش تاریخ (تاریخ تشیع)، (نویسنده مسئول). shagzad\_naghdi@yahoo.com

2- دکتری تاریخ اسلام، مدرس دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی اصفهان. hasanjavadinia@yahoo.com

3- استادیار گروه معارف دانشگاه اصفهان. bahrame1918@gmail.com

## مقدمه

امنیت از مقوله‌های اساسی است که نیاز به آن در تمام ابعاد زندگی بشری به نحوی ملموس و مؤثر احساس می‌شود و از دیرباز تاکنون تلاش در جهت ایجاد آن در حیات انسانی، منشأ تحولات و دگرگونی‌های فراوانی شده است. بشر از آغاز ورود به پهنه هستی، با معمای امنیت روبرو شد؛ زیرا عوامل محیطی مهم‌ترین خطر نسبت به حیاتی‌ترین ارزش بشری، یعنی زندگی به شمار می‌آمد. خطراتی که بسیاری از آن‌ها از سوی نیروهای طبیعی بود. بر این اساس می‌توان گفت که جستجوی امنیت پیوند ناگسستنی با جوهر هستی انسان دارد و حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین امیال انسان است. انسان‌ها به‌طور کلی در پی برآوردن نیازهای زیستی با یکدیگر وارد مناسبات گوناگون می‌شوند و تشکیل جامعه می‌دهند؛ بنابراین مهم‌ترین نیاز هر جامعه، خواه یک طایفه یا قوم کوچک یا یک کشور را می‌بایست تأمین امنیت آن جامعه و افرادش دانست (روشندل، 1374: 3). اندیشمندان سیاسی برقراری امنیت و ثبات در یک جامعه را به‌طور کلی از وظایف اصلی حکومت‌ها می‌دانند. در واقع از گذشته‌های دور تاکنون، کار ویژه اصلی، اولیه یا حداقل دولت، تأمین امنیت جان مردم از خطرات داخلی و خارجی و نهادینه کردن امنیت جمعی بوده است (اخوان کاظمی، 1385: 17). مقوله امنیت در اسلام از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده و همواره طراحی آن در بستر نظام اسلامی مورد توجه بوده است. این مفهوم از جمله موضوعاتی است که در قرآن به‌عنوان مهم‌ترین منبع در اسلام، به گستردگی به آن اشاره شده است (اخوان کاظمی، 1385: 151). قرآن درواقع اولین منبع احکام اسلامی است که امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان و طرح امامت برشمرده است.

به‌طوری‌که در طول تاریخ پرفراز و نشیب شیعه، همواره علماء، بزرگان و شخصیت‌های بزرگی در رکاب ائمه معصومین (ع) برجسته‌ترین نقش را در گسترش شیعه ایفا نموده‌اند، انسان‌های خود ساخته‌ای که در دوران مختلف حصر و تبعید پیشگامان معصوم (ع) کار ارتباط شیعیان را در جایگاه وکلا، سفرا و امنای آن بزرگواران با تحمل خطر و رنج دوری از وطن و هجرت همیشگی از دیار و خطر زندان و اسارت، تحمل و به دوش کشیده و برای رساندن پیام مکتب به ضعفای شیعه به مصداق فرموده امام حسن عسکری (ع) أَشَدُّ مِنْ يُتَمِّمِ الْيَتِيمَ الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ أُمِّهِ وَ أَيْهِ يَتِيمٍ انْقَطَعَ

عَنْ إِمَامِهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْوُصُولِ إِلَيْهِ وَ لَا يَذَرِي كَيْفَ حُكْمُهُ فِيمَا يُبْتَكَى بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِهِ أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا غَالِمًا بِغُلُومِنَا وَ هَذَا الْجَاهِلُ بِشَرِيعَتِنَا- الْمُنْقَطِعُ عَنْ مُشَاهَدَتِنَا يَتِيمٌ فِي حَجَرِهِ أَلَا فَمَنْ هَذَا وَ أُرْشَدُهُ وَ عِلْمُهُ شَرِيعَتِنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى (طبرسی، 16/1403:1) انسان‌های سرگردان و طالب حقیقت را به نور سعادت و هدایت الهی بهره‌مند نموده‌اند. پس سازمان وکالت اصطلاحاً بر تشکیلاتی اطلاق می‌شود که از نیمه دوم عصر امامت، یعنی از عصر امام صادق (ع) به بعد، آغاز به کار کرد و رفته‌رفته از نظم و گستردگی بیشتری برخوردار شد تا آنجا که در بعضی دوره‌ها، همچون عصر امامت عسکریین (ع) و سپس در عصر غیبت صغرا، به اوج گسترش و انسجام رسید و غالب نقاط شیعه‌نشین آن زمان در عالم اسلامی را زیرپوشش قرار داد. این سازمان دارای وظایف مشخص و ویژگی‌های خاصی بود و سازمان توسط امامان معصوم نظارت و هدایت می‌شد. در این زمینه‌ها، هرکدام دارای سلسله فعالیت‌هایی متناسب با این مقام بودند؛ مانند تعیین یا عزل وکلا، معرفی شخصیت مثبت یا منفی آنان به جامعه شیعه، نظارت بر کار وکلا، معرفی جریان‌های دروغین وکلا، تأمین مالی وکلا و اموری دیگر. یکی از عوامل اساسی ایجاد نهاد وکالت، لزوم ارتباط بین ائمه اطهار علیه‌السلام و پیروان آن‌ها بود؛ زیرا در هر نظام دینی، سیاسی، اجتماعی، ارتباط بین رهبری و اعضای آن اجتناب‌ناپذیر است؛ بنابراین، باید کسانی از سوی امامان شیعه تعیین می‌شدند و به‌عنوان وکلای آنان نقش ارتباطی را بین امام معصوم علیه‌السلام و شیعیان را بر عهده می‌گرفتند. از این‌رو با لحاظ کردن شرایط عمومی شیعیان در عصر امام صادق علیه‌السلام و گستردگی نسبی مناطق شیعه‌نشین می‌توانیم ضرورت تأسیس چنین تشکیلاتی را به‌خوبی درک نماییم. این گسترش در حقیقت ثمره تلاش‌های معصومین علیهم‌السلام در حفظ تشیع و دفع خطرات از دامن آنان بود. در این عصر، با توجه به منابع تاریخی و روایی، به‌طورقطع می‌توان مدعی وجود شیعیانی در مناطق مدینه و عراق (به‌خصوص کوفه و بغداد) و ایران (به‌خصوص قم و مناطق جبال و خراسان) و یمن و مصر و سایر مناطق شد (جباری، 1382: 47/1). ورود اسلام و تشیع به منطقه جبال (غرب ایران)، نقش اساسی در گرایش مردم کرمانشاه به‌عنوان مرزنشین به تشیع و پیروی از امامان شیعه داشت. این دوستی سبب گردید تا شیعیان با نظام امامت آشنایی عقیدتی پیدا کنند. باگذشت زمان و گسترش تشیع، محبت به این

خاندان نقش اساسی در تحول همه‌جانبه مناطق مرزی کرمانشاه ایجاد کرد و یک نوع امنیت را در منطقه ایجاد نمود. در طول تاریخ پرفراز و نشیب کشور ایران همواره یکی از گروه‌هایی که به میزان قابل‌توجهی توانسته است در خط مقدم دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور با متجاوزین بوده به‌طوری‌که پس از ورود تشیع به منطقه جبال و آشنایی مردم با جایگاه رفیع اهل‌البیت علیهم‌السلام و محبت به این خاندان، مؤمنین و شیفتگان این خاندان به طرق مختلف محبت خود را ابراز داشته‌اند که آثار و پیامدهای آن در نشر و گسترش دین اسلام خصوصاً مذهب تشیع فراوان است. منطقه مرزنشین کرمانشاه از دیرباز مهد تشیع علوی بوده است. اگر تاریخ اعتقادی کرمانشاهان را بررسی کنیم، شیعه امامیه اثنی‌عشری نقش اساسی در رشد فرهنگی و دینی را ایفا کرده است. بر این اساس پژوهش فوق در راستای جوابگویی به این سؤال اصلی است: کیفیت نحوه حضور نمایندگان ائمه (ع) در مناطق مرزی و ارتباط ساکنین مرزی با ائمه اطهار چگونه بوده است؟ در راستای این سؤال می‌توان فرضیه ذیل را مطرح کرد: گسترش تشیع در کرمانشاه به‌عنوان یک شهر مرزی مرهون ارتباط نمایندگان ائمه در کرمانشاه بوده است.

### پیشینه پژوهش

سوابق تحقیق را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود: 1. منابع دست اول مانند: معجم البلدان یاقوت حموی که به معرفی شهرها و اساس تقسیم بندی جغرافیایی کرمانشاه به سه شهر اصلی دینور و قرمیسین، حلوان قرار گرفت، اعیان الشیعه تألیف سید محسن امین، الکافی (ط-الاسلامیه) محمد بن یعقوب بن کلینی، رجال الکشی، محمد بن عمر کشی؛ آرامگاههای پاک پیامبر (ص) و بزرگان صحابه و تابعین، کمونه حسینی؛ الخرائج و الجرائج، قطب راوندی؛ مدینه معجز الأئمة الإثني عشر و دلائل الحجج علی البشر، سید هاشم بحرانی و منابع دیگر می‌توان به اطلاعات خوبی در خصوص ارتباط منطقه کرمانشاه با نمایندگان ائمه و سازمان وکالت دست یافت. 2. منابع معاصر مانند فرهنگ‌نامه تطبیقی، علیرضا چکنگی؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی؛ سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، محمد رضا جباری، اطلس شیعه، رسول جعفریان؛ تاریخ و جغرافیای تاریخی گیلان غرب، علی اکبر علیزاده. همچنین با مراجعه به سایر منابع

می‌توان به هدف اصلی پژوهش که باهدف بررسی کیفیت نحوه حضور نمایندگان ائمه(ع) در مناطق مرزی و ارتباط ساکنان منطقه با ائمه اطهار دست یافت.

### روش پژوهش

در مرحله تحلیل، داده‌های جمع‌آوری شده پس از تصفیه و طبقه‌بندی بر اساس مساله، سؤالات و فرضیات پژوهش مورد تفسیر و تحلیل قرار می‌گیرند. نوع پژوهش از زمره مطالعات تاریخی و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات مطالعات، کتابخانه ای است.

هدف از این آن است که داده‌های موثق و مرتبط با موضوع مورد مطالعه با در نظر داشتن گفتمان حاکم بر عصر وقوع حوادث بررسی شوند.

### منطقه مورد مطالعه

تنظیم ساختار و محدوده تحقیق با استفاده از ترسیم نقشه جغرافیایی استان کرمانشاه و تبیین کمی و کیفی اصحاب ائمه بر اساس تاریخ حضور ایشان، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند ترسیم نقشه و موقعیت محدوده تاریخی کرمانشاه که شامل سه شهر تاریخی یعنی دینور، قرمیسین و حلوان است از مسائل و مقدمات این پژوهش بود. این فرآیند که حاصل آن تحقیق حاضر است در دو عملکرد مجزا موردتوجه قرار گرفته است: شناسایی مکان‌های جغرافیایی در این معیار ترسیم نقشه و موقعیت محدوده تاریخی کرمانشاه که شامل سه شهر تاریخی یعنی دینور، قرمیسین و حلوان است از مسائل و مقدمات این پژوهش بود. بازشناسانی اصحاب و وکلای ائمه در کرمانشاه.

### وکلا و اصحاب ائمه در کرمانشاه

از آنجایی که پس از رحلت پیامبر گرامی(ص) و بروز اختلافاتی میان مسلمانان در پیروی از خاندان رسول‌الله، شیعیان ائمه علیه‌السلام در فشار قرار گرفتند. این تبدیل و تغییر نیازمند زمینه‌سازی‌های بسیار از جمله تربیت یاران و دوستان نزدیک و شیعیان مخلص توسط ائمه معصوم بوده است و از طرفی نیز با توجه به شور و اشتیاق خاص ایرانیان به پیروی از مذهب شیعه، شاگردان زیادی را از میان آن‌ها انتخاب و به‌عنوان معتمد خود به شهرهای ایران فرستادند تا در غیاب امام، امور مربوط به دین و مذهب را

برعهده گرفته، چراغ راهی برای دوستداران اهل بیت پیامبر (ص) باشند. در طول تاریخ برخی از ایرانیان موفق شدند به محضر امامان شیعه رسیده و حضور ایشان را درک کنند و تعدادی از آن‌ها جزو یاران خاص آن ائمه معصوم قرار گیرند؛ که در بین آن‌ها برخی از اهالی منطقه کرمانشاه که در آن دوره مهم‌ترین شهرهای آن عبارت بود از دینور، حلوان، قرمیسین و... به چشم می‌خورد؛ دیده می‌شود. بعضی از این شهرها در عصر امامان معصوم علیه‌السلام موطن شیعیان و محبان اهل بیت (ع) در سده‌های نخست و همچنین مراوده شیعیان این مناطق با اهل بیت از صفحات زرین تاریخ تشیع در استان کرمانشاه است.

### مبانی نظری

1. شیعه: در لغت از ماده «شَيعَ» به معنای فرقه، حزب، گروه، پیروان، یاران، هواداران، امت، دوستان، همراهان، همکاران، تقویت‌کنندگان و اشاعه دهندگان آمده است (حسینی واسطی زبیدی، 1306: 190/5-193؛ جعفریان، 1388: 3). از آنجا که این واژه عربی است برای شناخت دقیق معنای آن، ناگزیر باید به لغت‌نامه‌های عربی مراجعه نمود. از لحاظ دستوری (صرفی)، در زبان عربی، تشیع، مصدر باب تفعیل از ریشه «شَيعَ» (شاع) است و واژه شیعه نیز از همین ریشه گرفته شده است (ابن منظور، 1416 ذ ق/1996 م: 258/7). طبرسی در مجمع‌البیان می‌نویسد: شیعه به گروهی می‌گویند که از رهبری پیروی کنند. ولی در عرف مردم، شیعه عبارت است از کسانی که از علی علیه‌السلام پیروی کرده و به طرفداری از آن حضرت، با دشمنان او، مبارزه کرده و پس از او، از فرزندان او که جانشین آن حضرت بوده‌اند، پیروی کرده‌اند (طبرسی، 1358: 11/21)؛ بنابراین شیعه در لغت به معنای پیروان، یاران آمده است. در یک جمع‌بندی کلی شیعه به لحاظ لغوی به گروه یا جماعتی از افراد اطلاق می‌شود که از فرد دیگری پیروی می‌کنند و یا او را همراهی و با او در جهت نیرومندی و ترویج کیش و آیین او همکاری می‌نمایند؛ بنابراین شیعه در لغت به معنای پیروان و یاران شخص یا اشخاص معینی اطلاق می‌گردد و اما اصطلاح «شیعه علی علیه‌السلام» به‌طور خاص، بر پیروان مذهب تشیع - در برابر پیروان مذهب تسنن - اطلاق می‌گردد و ایشان کسانی‌اند که معتقد به امامت منصوب و بلافصل علی علیه‌السلام و فرزندان او، پس از رسول اکرم

صلی الله علیه و آله وسلم می‌باشد (شهرستانی، 1381/ 1961 م: 146/1؛ فیاض، 1406 ق/ 1986 م: 32-34). در این رابطه باید دانست که شیعه به این معنای خاص، شامل سه فرقه عمده بوده است: 1. امامیه (دوازده امامی)؛ 2. زیدیه؛ 3. اسماعیلیه. (حسنی رازی، 1313: 167)؛ اما واژه شیعه به‌طور خاص به چندمعناست، مطلبی است که می‌توان آن را به‌طور جامع و مانع در آثار شیخ مفید یافت. وی در بیان تعریف خاص واژه شیعه می‌گوید: شیعه مذهب، کسی است که به وجوب امامت و وجود آن در هرزمانی باور داشته باشد، نص جلی بر امامت و عصمت و کمال را برای او واجب بداند، به تداوم و انحصار امامت در فرزندان امام حسین علیه‌السلام معتقد و سلسله امامت را به امام رضا علیه‌السلام پیوند زند؛ زیرا همه شیعیانی که استمرار سلسله امامت شیعی را تا امام رضا علیه‌السلام باور دارند، پس از او به تداوم، آن تا امام دوازدهم، یعنی امام مهدی (عج) نیز معتقدند (شیخ مفید، 1387: 37؛ نوبختی، 1361: 75-112). محور اصلی تعریف فوق امامت و امام است؛ زیرا محوری است که همه‌ی شیعیان را همانند یک کل در برابر اهل سنت زیر لوای واحدی جمع می‌کند.

**2. امنیت:** در یک نگاه کلی هرگاه سخن از امنیت به میان می‌آید، آنچه در ذهن خطور می‌کند امنیت جان و مال است؛ در حالی که برای یک جامعه پویا و سالم امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فردی و ... مطرح می‌باشد و لازم است که حکومت امنیت جامعه را در همه ابعاد تأمین نماید (زارع قراملکی، 1389: 157). بر همین اساس امنیت را می‌توان به ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تقسیم کرد که در اینجا بعد سیاسی آن مدنظر است. امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آن‌ها در مشارکت جهت تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی آن‌ها است. نظام سیاسی در راستای امکان بخشی و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه، می‌بایستی امنیت و حضور آزادانه و برابر آنها را فراهم آورد و هیچ‌کس را به داشتن باور سیاسی خاصی وادار نکند. در واقع امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هرچند مخالف حکومت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کنند و کسی حق تعرض به دیگران را به

دلیل ابراز عقیده سیاسی نداشته باشد (اخوان کاظمی، 1385: 28). به تعبیری امنیت سیاسی برای همگان تنها در سایه برابری در مقابل قانون است، چه از نظر وضع قانونی و چه از لحاظ اجرای قانون (میر احمدی، 1388: 82-83). بدیهی است چنین امنیتی هرگز در حکومت‌های خودکامه (استبدادی) ایجاد نخواهد شد. در حقیقت، بین امنیت و میزان استبدادی بودن رژیم‌های سیاسی رابطه معکوسی وجود دارد؛ هر قدر حکومت‌ها خودکامه‌تر باشند آزادی کمتر، خشونت بیشتر و در نتیجه امنیت سیاسی کمتر خواهد بود (اخوان کاظمی، 1385: 29). ثبات سیاسی، محصول امنیت سیاسی و «خواست‌های مردمی در اصل ناظر به وجود توازنی بین از یک سو و «کار ویژه‌های حکومتی» از سوی دیگر می‌باشد (اخوان کاظمی، 1385: 29).

یکی از آثار و برکات ایمان، رسیدن به مقام امن و امنیت است؛ یعنی یکی از ویژگی‌های فرد مؤمن و جامعه مؤمنان این است که در برابر حوادث و عوامل تهدیدکننده و بیم‌دهنده، خوف، خطر و دغدغه‌ای احساس نمی‌کنند و از زندگی آسوده و مطمئنی برخوردارند. «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مهتدون» (انعام/82)؛ یعنی آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را به ظلم نیالودند برای آنها ایمنی و آسودگی است و هم آنها به حقیقت هدایت یافته‌اند. «هو الذی انزل السکینه فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم...» (فتح/4)؛ یعنی اوست خدایی که آرامش را بر دل‌های مؤمنان قرارداد تا بر یقین و ایمانشان بیفزاید و سپاه زمین و آسمان‌ها همه لشکر خداست و خداوند حکیم و داناست. «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد/28)؛ یعنی آنها که به خدا ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد خدا است که دل‌ها آرام می‌گیرد. قرآن کریم در آیه 112 سوره نحل، نقش ایمان را در امنیت و نقش کفر را در زوال امنیت به صورت زیبایی ترسیم کرده است و می‌فرماید: «ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه یتیه رزقها رغدا من کل مکان فکفرت بانعم الله فاذاقها الله لباس الجوع و الخوف...»؛ یعنی خداوند مثلی زده است، منطقه آبادی که امن و امان بود و همواره روزی‌اش از هر جا می‌رسید، اما نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام دادند لباس گرسنگی و ترس را بر آنها پوشانید؛ یعنی همان‌گونه که ایمان، نعمت رفاه و امنیت را به آنها ارزانی بخشید، کفران و ناسپاسی برای آنها، فقر و

ناامنی را ببار آورد. در این آیات برای این منطقه آباد و خوشبخت و پربرکت، سه ویژگی ذکر شده است که نخستین آنها امنیت، سپس اطمینان به ادامه زندگی در آن و بعد از آن، مساله جلب روزی و مواد غذایی فراوان می باشد که از نظر ترتیب طبیعی به همان شکل که در آیه آمده، صورت حلقه های زنجیری علت و معلول دارد، زیرا تا امنیت نباشد کسی اطمینان به ادامه زندگی در محلی پیدا نمی کند و تا این دو نباشند کسی علاقه مند به تولید و سر و سامان دادن به وضع اقتصادی نمی شود. این درسی است برای همه ما و همه کسانی که می خواهند سرزمینی آباد و مستقل داشته باشند. باید قبل از هر چیز به مساله «امنیت» پرداخت سپس مردم را به آینده خود در آن منطقه امیدوار ساخت و به دنبال آن چرخ های اقتصادی را به حرکت درآورد (ر. ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، 1373، ج 13، ص 433).

**3. امنیت از دیدگاه اسلام:** اسلام به عنوان یک دین جهان شمول به تمام ابعاد زندگی بشری توجه به طور ویژه دارد و برای همه جنبه های زندگی بشر برنامه ریزی کرده است؛ از جمله این جمله این جنبه ها می توان به امنیت در ابعاد فردی و اجتماعی اشاره کرد که مورد توجه ویژه اسلام قرار گرفته است. با توجه به رویکرد کل نگر این پژوهش، فارغ از تفاوت های ماهوی در برخی رویکردهای اسلامی از جمله تفاوت میان دیدگاه امنیتی فقه شیعه با دیگر جریان های اسلامی سنی، سعی کرده ایم که مبانی بررسی دیدگاه امنیتی اسلام بر محور فقه شیعه قرار گیرد. در فرهنگ قرآنی، امنیت مفهومی وسیع، متوازن و عمیق دارد و شامل تمامی ابعاد زندگی و حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، داخلی و خارجی می شود و بر الگویی از امنیت تأکید می شود که با اقتدار، انسجام، وحدت، ارتباط جامعه اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد و شرط امنیت ملی را در بعد امنیت خارجی و استحکام درونی امت اسلامی می داند و هرگونه دغدغه، نگرانی و ناامنی در یک بعد را مؤثر در ابعاد دیگر می شمارد و هرگونه قوت و قدرت در یک حوزه را منشأ قدرت و اقتدار در حوزه های دیگر می داند (دری نجف آبادی، 1379: 283)؛ بنابراین مقوله امنیت در اسلام، پدیده ای تک بعدی نیست و مواردی متنوع را در خود جای داده است. ابعاد مختلف امنیت از منظر قرآن کریم عبارتند از: امنیت فردی که امنیت فردی را باید در ایمان واقعی و آرامش روحی و اطمینان و یاد خداوند متعال جستجو کرد. جلوگیری از به کارگیری القاب ناپسند و منع

تهمت و افترا (حجرات / 12 و نور / 4) عقیده (قرآن کریم آن دسته از مؤمنان را که احساس ناامنی کرده نمی‌توانند عقایدشان را بیان کنند، موظف کرده تا به محلی امن هجرت کنند و به‌دوراز هرگونه تهدید، به ابراز عقاید و انجام مراسم دینی بپردازند؛ و من یهاجر فی سبیل الله یجد فی الارض مراغما کثیرا وسعه ...«کسی که در راه خدا هجرت کند جاهای امن فراوان و فراخی را در زمین می‌یابد» (نساء / 100) و امنیت روح و روان حساسیت زیادی نشان داده و برای حفظ آن، راهکارهایی را ارائه کرده است) امنیت اجتماعی [امنیت اجتماعی را باید در سایه تقوا و عدالت و رعایت حرمت و حقوق انسانها و دفاع از مظلومان و محرومان و برخورد با فاسدان و مجرمان و بزهکاران و رفع فقر و رفاه و تأمین معیشت مردم و حفظ آزادی‌های مشروع و حاکمیت عدل و حق و قانون و معیارهای انسانی و الهی جستجو کرد] شامل یگانگی و یکدلی (آل عمران/103) خوش‌بینی (حجرات / 12) عدالت اجتماعی، امنیت فرهنگی در برگیرنده خود باوری فرهنگی، همسان‌سازی فرهنگی، حق محوری، شناخت فرهنگ‌های مختلف. امنیت سیاسی که شامل امنیت داخلی و امنیت خارجی است (وطن‌دوست، 1386: 102-113). خداوند متعال رفاه و شکوفایی اقتصادی را نیز تابع برقراری امنیت و صلح می‌داند و می‌فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مَطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ رِغْدَا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ؛ وَ خَدَاوَنْد شَهْرِي رَا مَثَل زده است که امن و امان بود او را روزی‌اش از هر سو فراوان می‌رسید (نحل/112). در جای دیگر می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مِنْ آمْنٍ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَ بئسَ الْمَصِيرُ: وَ چون ابراهیم گفت پروردگارا این [سرزمین] را شهری امن گردان و مردمش را هر کس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد از فرآورده‌ها روزی ببخش، فرمود ...» (بقره /126)؛ بنابراین جامعه‌ای که اسلام ترسیم می‌کند، جامعه‌ای است بهره‌مند از امنیت و در آن، عبادت خدا و دوری از طاغوت محسوس است. اسلام یک ایدئولوژی نظام‌مند و شفاف است اصول اخلاقی و جهان‌بینی معینی در خصوص عدالت سیاسی و اجتماعی دارد. به طور بالقوه، جاذبه و کشش اسلام، جهانی است چراکه از نظر این دین، تمامی انسان‌ها برابرند (مردن، 1379: 124).

**4. شهرها و قصاب مرزی قدیم کرمانشاه:** در طول تاریخ اسلام استان کرمانشاه به عنوان یکی از شهرهای مرزی کانون رخدادهای تاریخی مختلفی بوده است. شهرهای واقع در این استان یعنی شهر حلوان، دینور و قرمیسین، هرکدام به تنهایی از اهمیت بالایی برخوردار بوده اند. واقع شدن در مسیر شاهراه بغداد به خراسان، موجب حضور طوایف مختلف و کاروان های تجاری و غیره در این دیار شد. در طول تاریخ در پهنه استان کرمانشاه نقاط مسکونی و شهری فراوانی بوده اند که بارهای بار تغییر نام داده اند و مردم گاه از یک نقطه به ضرورت به نقطه ای دیگر رفته اند اما کردها پیوسته در پیچ و خم دره ها و دشت های کرمانشاه زندگی کرده اند. کرمانشاه، باختران، قرماشین، قرمیسین، الی پی، کامبادن، گابن، نیشاپی، بگستان و همه و همه نام های کرمانشاه و حول و حوش آن در طول تاریخ پرفراز و نشیب آن بوده اند (علیزاده، 1389: 31). کرمانشاهان که نام آن معمولاً به صورت کرمانشاه خلاصه می شود، نزد اعراب، به نام قرمیسین (قرماشین و قرماشین) نیز معروف بوده است (ابن اعثم کوفی، 1372: 972). در قرون نخستین اسلامی، مهم ترین شهرهای کرمانشاهان عبارت بودند از: دینور (ماه کوفه)، قرمیسین (کرمانشاه) و حلوان (سرپل ذهاب) که در آن دوران دینور از سایر شهرها بزرگ تر بوده بطوری که در منابع جغرافیایی آمده است؛ که دینور به اندازه ی دو ثلث (دوسوم) همدان، بزرگ ترین شهر سرزمین جبال بوده (بیات، 1367: 339)؛ بنابراین در این مقاله تنها از شهرهای مرزنشین کرمانشاه مانند دینور، قرمیسین و حلوان که نمایندگان یا وکلایی از ائمه در آنجا ساکن بوده اند سخن گفته شده است.

**4-1. دینور:** شهر تاریخی و کهن دینور، در روزگار خود شهر بزرگ و آبادی بوده، به طوری که شهر کرمانشاه در قرون نخستین هجری از توابع آن به حساب می آمده است (حسینی خاتون آبادی، 1352: 146). شهر دینور یکی از قدیمی ترین و مهم ترین شهرهای واقع در استان کرمانشاه است برخی نام این شهر را «دنیاوران»، «ماهین، مایین، ماه الکوفه» (چکنگی، 1387: 77 و 138) ابراهیم بن محمد اصطخری (متوفی سال 346 هجری) در وصف دینور می نویسد: «أما الدینور فأنها مثل ثلثی همدان و هی مدینه کثیرة الثمار و الزروع خصبة و اهلها احسن طباعا من اهل همدان و لها میاه و مستشرف نزه» وسعت دینور به اندازه دو سوم همدان و شهری پر محصول است و اهل دینور خوش طبع تر از اهل همدان هستند (اصطخری، 1927 م: 198). یاقوت حموی نیز که به شهر دینور

سفر کرده، علت نام‌گذاری دینور به ماه الکوفه را در زمان معاویه بن ابی سفیان دانسته است (یاقوت حموی، 1995 م: 313/5). در گوشه‌ای از تاریخ این شهر آمده است که دینور در سده چهارم هجری، قصبه‌ای برای امارت مستقل کوچک منسوب به بدر بن حسنویه کردی بوده است (ابن طبا طبای علوی اصفهانی، 1388 ق: 380).

**2-4. قرمیسین:** دومین شهر قدیمی و نسبتاً مهم واقع در استان کرمانشاه، شهر قرمیسین است که در مسیر همدان به بغداد و بعد از شهر دینور قرار داشته است. در منابع تاریخی و جغرافیایی همواره از آن با این اسم‌ها یاد شده است «کرماشان و کرماچان و کمپده و کام پادن و کامپادا و کامبادن و کامبادنه و قرمیسین و خرخار و خور میهن و خور میثین و دارالدوله و دارا شوکت» (چکنگی، 1387: 240-241)، قرماس (قدامه بن جعفر، 1981 م: 327)، «قرماسین» (بلاذری، 1988: 295)، «قرماشین» (محمودی شریف‌الادریسی، 1409 ق: 672/2) قرمیسین» (انصاری، 1382 ش: 291). صاحب آثار البلاد و اخبار العباد در وصف آن می‌گوید: «قرمیسین شهری است میان همدان و حلوان در سر راه حجاج که قبر ابراهیم شیبان در کرمانشاهان است و او از ابراهیمی‌های اربعه است که دعا در سر قبر آن‌ها مستجاب می‌شود» (قزوینی، 1995 م: 503). فتح این شهر به دست مسلمانان در سال 19 هجری و بعد از فتح حلوان توسط جریر بن عبدالله بجلی صورت گرفته است (یاقوت حموی، 1995: 291/2).

**3-4. حلوان:** یکی دیگر از شهرهای قدیم واقع در کرمانشاه است. حلوان نام قدیم یکی از شهرهای مهم قرون اولیه اسلام در نیمه غربی ایران است که امروزه بقایای این شهر قدیمی در استان کرمانشاه قرار دارد. شهر حلوان در گذشته با عنوان آخرین شهر از سواد عراق و دروازه جبار معروف بوده که امروزه بقایای این شهر قدیمی در استان کرمانشاه قرار دارد آثار خرابه‌های شهر حلوان در زمان فعلی در اطراف شهر سرپل ذهاب در کرمانشاه قرار دارد شهر حلوان در گذشته به عنوان آخرین شهر از سواد عراق (حمیری، 1975: 322) قدمت این شهر بنا بر کتیبه‌های آنوبانی نی، به دوران نوسنگی و حکومت لولویی‌ها (نیمه دوم هزاره سوم قبل از میلاد) برمی‌گردد. شهر حلوان با قدمتی چند صدساله آن، به عنوان مرکز حکومت ساسانیان از ورود اسلام، همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. یاقوت حموی در رابطه با فتح حلوان دارد که «حلوان در

سال 19 هجری فتح و گشودن آن به دست مسلمانان بوده است» (یاقوت حموی، 1995: 290/2-294).

**5. مفهوم شناسی سازمان وکالت؛ وکالت در لغت به معنای واگذار کردن، اعتماد و تکیه کردن به دیگری است (لویس معروف، 1362: 916).** بر اساس شواهد لغوی؛ معنای وکالت عبارت است از: «مورد اعتماد کسی بودن که نتیجه آن به عهده گرفتن امور آن شخص باشد» در این ارتباط ابن منظور می‌گوید: «کلمه «الوکاله» (با فتحه و کسره «واو») اسم عبارت «قد و کله علی الأمر» است و وکیل انسان کسی است که عهده‌دار انجام کار او باشد و به این دلیل وکیل نامیده می‌شود که انجام امر موکل به او واگذار شده است؛ لذا درباره‌ی او می‌گویند: «موکل إلیه الأمر» و کلمه وکیل بر این اساس، بر وزن «فعلیل» به معنای مفعول است... «وکلت أمری إلی فلان» یعنی به او روی آوردم و درباره‌ی کارم به او اعتماد کردم و هنگامی گفته می‌شود «وکل فلان فلاناً» که بر اساس اعتماد به کفایت موکل (وکیل) او را به انجام کاری گماشت» (ابن منظور، 1414 ق: 11/ 735-736). طریحی در تعریف لغوی وکالت می‌گوید: کلمه وکالت (واو چه مفتوح و چه مکسور خوانده شود) اسم مصدر توکیل و برگرفته از عبارت «وکل إلیه الأمر: به او تفویض کرده» است. و توکیل آن است که بر شخصی اعتماد کنی و او را نایب خویش قرار دهی (طریحی، 1375 ش: 494/5). در تعریف اصطلاحی وکالت، ابن واژه، غالباً در فقه کاربرد دارد و فقها برای آن تعاریف نزدیک به هم ذکر کرده‌اند. وکالت در اصطلاح فقهی عقدی است که به موجب آن کسی دیگری را برای انجام کاری جانشین خود قرار می‌دهد (شهید ثانی، 2: 221/1382). محقق حلی در المختصر النافع چنین بیان کرده است: «وکالت عبارت است از ایجاب و قبول دو طرف که برقرار دادن شخصی به‌عنوان نایب در تصرف امور دیگری دلالت داشته باشد» (حلی، 1418: 154/1)، لذا معنای لغوی وکالت اعم است؛ زیرا در معنای لغوی واگذار کردن هر کاری به دیگری است. ولی معنای اصطلاحی اخص است زیرا هر کاری را نمی‌توان به دیگری واگذار کرد؛ بنابراین تعریف اصطلاحی وکالت در علم فقه عبارت است از: قرار دادن شخص به‌عنوان نایب یا قائم‌مقام برای انجام کارهای مشخص. از آن رو که انسان‌ها در کسب فضائل و کمالات همسان نبوده؛ وکلای ائمه (ع) نیز در ویژگی‌های ارزشی و عالی انسانی در یک سطح نبوده‌اند، وکالت ائمه جایگاهی است که اعطای آن به کسی بدون ویژگی‌های لازم

ممکن نبود. با توجه به منابع رجالی و تاریخی ویژگی‌های وکلا عبارتند از: جایگاه رفیع معنوی، شناخت معارف دینی، سیاست، بصیرت و رازداری و... اصولاً سازمان وکالت باهدف ارتباط پیروان اهل بیت با امامان معصوم پی‌ریزی شد و وکلا، نماینده‌ی امام در میان مردم بوده‌اند پس تمام وکلای ائمه (ع) از نظر وظیفه یکسان نیستند برخی از اصحاب برجسته و ممتاز چندین امام معصوم و دارای مقام علمی و دینی بالا و گاه مقام بابیت را نیز دارا بودند. پس در نهایت می‌توانند دارای نقش‌های متعددی باشند (جباری، 1382: 279/1-280). چرا که سازمان در لغت به معنای «تشکیلات» است (دهخدا: 99/28). سازمان از نظر اصطلاح، پدیده‌ای اجتماعی است که به‌طور آگاهانه هماهنگ شده و حدود و مرز نسبتاً مشخصی دارد و برای تحقق هدف یا اهدافی بر اساس یک سلسله مبانی دائمی فعالیت می‌کند (استیفن رابینز، 1387: 21). پس یکی از وظایف مهم سازمان وکالت، اخذ وجوه شرعی و توزیع آن در موارد خاص خود بود، اگرچه وظیفه‌ی اصلی و عمده‌ی این نهاد قبض و دفع اموال عنوان شده است. اگر از ابتدا به شکلی عمیق‌تر و تحلیلی به عملکرد نهاد وکالت توجه کنیم، آن را برتر از مجموعه‌ای خواهیم یافت که صرفاً برای جمع‌آوری خمس، زکات و هدایا و نذورات تشکیل شده و هیچ وظیفه دیگری بر عهده نداشته باشد؛ به عبارت دیگر، بررسی شواهد تاریخی مؤید این مدعاست که هدف‌های سیاسی والایی در ورای وظایف صوری و ظاهری این نهاد از ابتدا نهفته بودند؛ چراکه اگر فعالیت این نهاد به هیچ شکلی جنبه‌ی سیاسی نداشت، نباید در طول دوران فعالیتش، بارها مورد تعرض حکومت‌ها قرار گیرد. همچنین نمی‌بایست ائمه هدی (ع) آن را در نهایت اختفا و پنهان‌کاری اداره می‌کردند. ازاین‌رو، می‌توان گفت که حتی در مسئله‌ی قبض و دفع اموال و وجوهات و حقوق الهی نیز اهداف والایی مدنظر بودند که در نهایت، تقویت جانب ایمان در برابر کفر بوده است؛ چنانکه اهداف دینی و معنوی و نشر اصول و فروع مکتب را نیز باید از قلمرو اهداف وکالت و نیابت برشمرد.

**6. کرمانشاه در عصر امام علی (ع):** یکی از مهم‌ترین سیاست‌های حکومتی امام علیه‌السلام از روز آغازین خلافت، مبارزه با فساد مالی و کارگزاران ناصالح در مجاری حکومت اسلامی بود. در این نوشتار به معرفی کارگزاران امام در منطقه کرمانشاهان می‌پردازیم. ازجمله اسود بن قطبه فرمانده لشکر حلوان بود؛ و در آن زمان معمولاً

فرماندهی با کارگزاری یکی بوده است. ایشان از طرف امام علی علیه السلام به عنوان کارگزار حلوان انتخاب شد (امینی، بی تا: 60/1)؛ بنابراین در نامه‌ای حضرت وظایف والی را گوشزد داده و او را از ظلم و ستم نسبت به مردم بر حذر داشتن و به رعایت مساوات و عدالت بین آن‌ها و رسیدگی به امور رعیت را فرمان داده چراکه این امر مایه آرامش و آسودگی ایشان در روز قیامت به جای رفاه و آسودگی دنیوی را برایش به دنبال دارد. (شریف رضی، 1414 ق: نامه 59 ص 449) و جریر بن عبدالله بجلی و قرظه بن کعب انصاری که از رجال امیر مؤمنان در زمان خلافتش بودند، در زمان خلفای سه‌گانه دارای مناصب کشوری و لشکری بودند. جریر منطقه کوفه را فتح کرد و در عهد عثمان حاکم همدان و جبال بود (محرمی، 1378: 91). دینوری در اخبار الطوال می‌گوید: علی علیه السلام برای جریر بن عبدالله بجلی که کارگزار عثمان در سرزمین‌های جبل بود به اتفاق زحر بن قیس جعفری کارهای آن منطقه را اداره می‌کردند نامه نوشت و او را به بیعت با خود دعوت فرمود که پذیرفت و از مردم هم برای علی علیه السلام بیعت گرفت؛ و سپس به کوفه بازگشت (دینوری، 1383 ش: 193-194) و محمد بن سلیم ازدی چنانکه دینوری در کتاب اخبار الطوال خود نقل می‌کند: پس از اتمام جنگ صفین، امیرالمؤمنین عمال و کارگزاران خود را به شهرهای مختلف فرستاد از جمله محمد بن سلیم ازدی را به عنوان کارگزار خویش در اصفهان و ایالت جبال فرستاد (امینی، بی تا: 524/2). امام علی علیه السلام هنگامی که مخنف بن سلیم ازدی را برای تحصیلاتی زکات روانه کرد، به او سفارش کرد که در کارهای پنهانی خود از پروردگار خویش پروا کند و با مردمان با گشاده‌رویی و نرم‌خویی روبه‌رو شود؛ و به او فرمان داد که فروتنی پیشه کند و از تکبر بپرهیزد، که خدا فروتنان را مقام می‌دهد و متکبران را تنزل می‌دهد (حکیمی و دیگران، 1380 ش: 718/2). عبدالرحمن مولى بدیل بن ورقاء خراعی عامل امیرالمؤمنین (ع) (مابین سالهای هجری تا سال 37 هجری) در ماهین (ماه کوفه و ماه بصره) بوده که به دستور حضرت، امیر و عامل ایشان در ماهین بوده است در کتاب الفتوح آمده است: «ثم دعا بعبد الرحمن مولى بدیل بن ورقاء الخزاعی، فعقد له عقدا و أمره بالمسير إلى أرض الماهین أمیرا و عاملا علیها و وجه بعماله إلى جميع البلاد التي كانت تحت طاعته، فسمع القوم و أطاعوا» (ابن اعثم کوفی، 1411 ق: 448/2). عمر بن أبی سلمه مخزومی از طرف امام علی (ع) فرماندار بحرین بود پس از آن که از فرمانداری

بحرین عزل شد. حضرت ولایت فارس را به او داد و گفته شده که حضرت ولایت حلوان و ماه (ماه الکوفه و ماه البصره) و ماسبذان را با ایشان سپرد (بلاذری، 1417 ق: 429/1-430).

**7. کرمانشاه در زمان امام حسن (ع):** در زمان خلافت و امامت امام حسن (ع) با آن که حضرت بعد از شهادت پدر بزرگوارش، در سال چهلیم هجری در ایام خلافتشان، عاملان خویش را به سیاه بوم و جبل فرستاد (مسعودی، 1363: 426/2). در نیمه دوم قرن اول هجری، قیام مختار ثقفی به خون‌خواهی امام حسین (ع) در سال 66 و 67 هجری موجب گردید تا بر شهر دینور و حلوان و نواحی اطراف آنها تسلط یابد و عبدالله بن حارث برادر اشتر بر ماهین (ماه کوفه، ماه بصره و همدان) به عنوان کارگزار آنجا منصوب گردد (دینوری، 1960 م: 292). در سال 127 هجری، عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب (ع) در کوفه، علیه حاکم اموی قیام کرد و بعد از بیعت با اهل مدائن به سوی جبال رفت و بر حلوان و نواحی جبال و ماه کوفه (دینور) مسلط گردید (ابوالفرج اصفهانی، 1415: 430/12-431). در این دوره از تاریخ تا زمان امام جواد (ع) خبری از حضور و سکونت و مهاجرت وکلا و نمایندگان ائمه (ع) به مناطق یادشده گزارش نشده است.

**8. کرمانشاه در زمان امام جواد:** اولین نماینده ائمه در دینور وکیل و نماینده امام جواد علیه السلام در قرن چهارم هجری در دینور ابوالحسن علی بن العالم رئیس الشجاع الفصیح دینوری (ابوالحسن علی دینوری) وکیل و نماینده امام سجاد (ع) است که از افراد باکمال و دانشمند مدینه بوده و به دستور حضرت تا پایان عمرش در این شهر باقی مانده است (کمونیه حسینی، 1387 ق: 88؛ ابن عنبه حسنی، 1417 ق: 316-317). ابوالحسن علی بن العالم رئیس الشجاع الفصیح دینوری از بزرگان و سادات دینور است که در قرن چهارم زندگی می کرد یکی از نمایندگان امام جواد علیه السلام در کرمانشاه بود سید ابوالحسن علی دینوری، فرزند حسن، فرزند حسین، فرزند حسن افطس، فرزند علی اصغر، فرزند امام سجاد علیه السلام است. ولادتش به سال (189 هـ) و در سال (274 هـ) درگذشت (کمونیه حسینی، 1375: 120) و همچنین در برخی از کتابها نیز به نمایندگی ایشان از جانب امام جواد در این منطقه اشاره شده است؛ که بدین شکل بیان شده: «بوجعفر لقب [امام جواد علیه السلام] به وی دستور داد جهت

امور دینی مردم به دینور سفر کنند و در آنجا ساکن شود و او اطاعت کرد» (ابن عنبه حسنی (م 828 ق)، 1417 ق: 316، خزعلی، 1419 ق: 490/1)؛ بنابراین انتخاب ابوالحسن علی دینوری به عنوان نماینده امام جواد در دینور نشان از آشنایی مردم کرمانشاه با سازمان وکالت می باشد. روایت هایی که آن بزرگوار نقل کرده یکی روایتی از امام رضا علیه السلام در مورد خالی نبودن زمین از حجت (ابن بابویه، 1378 ق: 272/1؛ ابن بابویه، 1380 ش: 645/1) و دیگری حدیثی از امام صادق علیه السلام در باب فضیلت افطار (کلینی، 1407 ق: 150/4) که بیان نموده است. (همان: 150/4) سید ابوالحسن دینوری به عنوان جد سادات دینوری (قمی، 1385 ش: 228) مشهور گردید و این شهرت و کثرت اولاد ایشان در این منطقه باعث گردید که مردم نیز از خاندان اهل بیت استقبال بیشتری نمایند.

**9. کرمانشاه در زمان امام هادی (254-212 هـ ق):** چگونگی ارتباط مردم کرمانشاه با امام هادی (ع) طی گزارشی مربوط به مکتوبی از سمت امام هادی علیه السلام، خطاب به ایوب بن نوح وکیل خویش در کوفه و نواحی اطراف آن می باشد، این مکتوب پس از آن صادر شد که یکی از شیعیان مناطق جبال ایران، به نام علی بن عبیدالله دینوری، طی نامه ای به امام علیه السلام از ارسال اموالی به نزد فارس بن حاتم برای تحویل به حضرت خبر می دهد. این در حالی بوده که فارس هیچ یک از آن اموال را به امام تحویل نداده و همه را تصاحب کرده بود و حتی به دروغ، دست خطی جعلی، مبنی بر وصول اموال نیز تهیه نموده و به امام هادی علیه السلام نسبت داده بود. امام علیه السلام نیز طی توقیعی، عدم وصول اموال مزبور را به اطلاع علی بن عبیدالله دینوری رسانده و او را از ادامه تحویل اموال به فارس منع کرده و وی را مأمور نمود که از آن پس به نزد ایوب بن نوح مراجعه کند؛ و حقیقت حال فارس را به اطلاع شیعیان مناطق جبال و غیر آنان برساند. دست نوشته صادر شده خطاب به ایوب بن نوح، حاوی نکات یاد شده بالا است. امام هادی علیه السلام در حقیقت، جریان مربوط به علی بن عبیدالله دینوری و این که او را مأمور کرده از آن پس به ایوب بن نوح مراجعه کند، طی این دست نوشته به اطلاع وکیلش، ایوب بن نوح، می رساند. این توقیع را کشتی نقل کرده است (کشی، 1363 ش): 809-808/2؛ جبّاری، محمدرضا، 1382: 654/2). در روایتی سید حسن علوی دینوری را یکی از یاران امام هادی علیه السلام شمرده اند. (کلینی، 1429 ق: 48/1) در دوره امام

هادی (ع)، با توجه به سامان یافتن بیش از پیش این سازمان، وجوه مالی به طور منظم دریافت و توزیع می‌شدند. با توجه به این مقدمه، یکی از اصلی‌ترین وظایف سازمان وکالت، قبض و دفع وجوهات بود و وکلا، هرکدام در دوران سفارت خود، وجوه و اموال متعلق به امام را که شیعیان مستقیماً یا توسط وکلای محلی می‌پرداختند، تحویل می‌گرفتند و به هر طریقی که ممکن بود به امام می‌رساندند و به دستور ایشان در موارد خاص، مصرف می‌کردند پس ارسال وجوهات و سؤالات شرعی مردم کرمانشاهان از امام هادی از طریق وکیل امام، نشان از آشنایی مردم کرمانشاهان با سازمان وکالت و ارتباط داشتن مستقیم با وکلای امام علیه‌السلام و ارتباط مکاتبه‌ای مردم کرمانشاه با امام نیز دارد و از طرفی نشان از تشیع مردم این منطقه که از نوع تشیع اعتقادی است می‌باشد.

**10. کرمانشاه در دوره امام حسن عسگری (323-260 ه‍.ق):** چندین گزارش از کثرت جمعیت شیعیان در دوران امامت امام حسن عسگری (ع) وجود دارد که مردم اموال خود و سؤالات دینی خویش را به سبب سازمان وکالت و با واسطه نمایندگان آن حضرت در آن نواحی از حضرت پرسیده و با ایشان مرتبط بودند. در کتاب کشف الغمه اربلی چنین آمده که: مردی از علوی‌ها در زمان امام حسن عسگری علیه‌السلام به سراغ فضل، به جبل رفت در حلوان، مردی به او برخورد کرد و گفت از کجا می‌آیی؟ گفت از سامرا. گفت: آیا فلان دروازه را می‌شناسی؟ گفت: آری. گفت: آیا خبری از امام حسن عسگری علیه‌السلام داری. گفت: خیر. گفت: برای چه عازم جبل هستی. گفت: به دنبال فضل می‌روم. به او گفت: پنجاه دینار به تو می‌دهم همراه من به سامرا بیا و مرا نزد امام حسن عسگری علیه‌السلام ببر؛ و به اتفاق مرد علوی بازگشت و به حضور امام رسیدند حضرت در حیاط خانه‌اش بود وقتی مرد جبلی را دید به او فرمود: تو فلان پسر فلانی هستی و پدرت سفارشی دارد که آمده‌ای آن را ابلاغ کنی و مبلغ چهار هزار دینار همراه خود داری.

گفت: آری و پول‌ها را به حضرت داد، آنگاه امام نگاهی به علوی انداخت و فرمود: تو برای یافتن فضل به جبل می‌رفتی و این مرد پنجاه دینار به تو داد و به اتفاق بازگشتید و ما نیز به تو پنجاه دینار می‌دهیم (اربلی، 1382 ش: 307/3؛ معروف حسنی، 1382 ش: 516/2-517؛ پیشوایی، 1374 ش: 625-626). این ماجرا به خوبی نشان می‌دهد که به خاطر کنترل بسیار شدید حکومت، دسترسی به امام علیه‌السلام مشکل بوده است؛ و از

طرفی مبلغی که مرد حلوانی در برابر راهنمایی او به خانه حضرت به شخص علوی پرداخته بود، نشانه اهمیت دیدار با امام در آن روزگار است؛ و شوق و علاقه مردم این منطقه نسبت به ائمه را نشان می‌دهد که این خود حاکی از این موضوع می‌باشد که در این منطقه شیعه رواج داشته است. هم‌چنین این روایت محبت اهالی کرمانشاه را نسبت به مقام ائمه را نشان می‌دهد.

**11. کرمانشاه در دوره امام زمان (عج):** پس از شهادت امام عسکری علیه السلام نیز که جو حیرت و سردرگمی نسبت به امامت در میان شیعیان پدید آمده بود و حضرت حجت (عج) به دلیل شرایط خاص زمانی در حال غیبت به سر می‌برد و حاکمیت عباسی نیز با توجه به مشهور بودن احادیث نبوی در جامعه مبنی بر مهدویت دوازدهمین امام، درصدد دست‌یابی به وجود مقدس امام بود، نواب اربعه و وکلای آن جناب و مرجع و راهنمای شیعیان در امور مختلف شرعی، اعتقادی و اجتماعی بودند. شیخ صدوق در روایتی از ابی‌عبدالله کوفی اسامی و مکان زندگی کسانی که موفق به دیدار ولی‌عصر در زمان غیبت صغری شده‌اند ذکر نموده که در بین آن‌ها دست‌کم سه عالم فرزانه دینوری، به چشم می‌خورد (ابن‌بابویه، 1395 ق: 442/2-443؛ امین عاملی، 1403 ق: 326/2). در دینور «جعفر بن عبدالغفار» به همراه «ابوعلی محمد بن احمد بن حماد مرزوی محمودی» نماینده امام عصر (ع) برای مدتی کوتاه در دینور حضور داشته‌اند (قطب‌الدین راوندی، 1409 ق: 698/2). هم‌چنین «أحمد بن محمد دینوری»، ملقب باستاره (طبری آملی صغیر، 1413 ق: 519 ح 493) یا استونه (طوسی، 1373 ش: 403) یکی از شخصیت‌های شیعی در ایام غیبت امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد که سال 261 یا 262 هجری از اردبیل به قصد حج به دینور وارد شده و اهل دینور از آمدن او خوشحال و مالی را به مبلغ سیزده هزار دینار به او می‌سپارند که به سامره برده و به جانشین امام عسکری (ع) برساند وی در مسیر خود در قرمیسین به ملاقات احمد بن حسن بن حسن که در آنجا مقیم بود می‌شتابد و احمد مادرنی مانند شیعیان دینور هزار دینار که در کیسه و چند بقچه پارچه رنگارنگ که آن را محکم بسته بود، به احمد دینوری می‌دهد تا به اهلس برساند. احمد دینوری پس از تحویل آن‌ها به دینور و قرمیسین می‌آید و نامه‌ای که از ناحیه مقدسه امام زمان صادر شده بود برای آن‌ها می‌خواند (طبری آملی صغیر، 1413 ق: 519 ح 493) از تعداد بقچه‌ها و کیسه‌ها معلوم می‌شود که ایشان در

نزد مردم قرمیسین، شأن و منزلتی داشته که مردم او را امین خود در سهم امام دانسته‌اند. در این حکایت آمده است که بعد از آنکه امام محتوای آن کیسه‌های احمد دینوری را که از احمد مادرانی در قرمیسین دریافت کرده، بدون باز کردن آن‌ها مبالغ و مقدارشان را توضیح می‌دهد. احمد دینوری بعد از مراجعت از سامرا می‌گوید: «از دینور حرکت نمودم بعداً ابوالحسن مادرانی را ملاقات نمودم و ماجرا را نیز به او گفتم و نامه‌ای که از ناحیه مقدسه امام زمان (ع) صادر شده بود برای او خواندم. گفت سبحان الله! اگر در چیزی شک داشته باشی، در این تردید مکن که خداوند زمین خود را از حجت خالی نمی‌گذارد. موقعی که اذکوتین با یزید بن عبدالله در شهر زور جنگ نمود و بر شهرهای وی ظفر یافت و خزینه‌های او را ضبط کرد، مردی نزد من آمد و گفت: یزید بن عبدالله فلان اسب و فلان شمشیر را، برای امام زمان گذاشته. ما هم بعد از جنگ خزینه یزید بن عبدالله را بخانه اذکوتین نقل نمودیم. ولی نمی‌گذاشتم که آن اسب و شمشیر را ببرند تا آنکه همه اشیاء را بردند و جز اسب و شمشیر چیزی نماند من امیدوار بودم که آن‌ها را، برای مولی صاحب‌الزمان بردارم. ولی چون دیدم اذکوتین سخت آن را مطالبه می‌کند پیش خود اسب و شمشیر را هزار دینار قیمت نمودم و وزن کرده به خزینه‌دار سپردم و گفتم: این پول‌ها را در مطمئن‌ترین جاها بگذار و آن را هیچ‌وقت نزد من نیاور هرچند احتیاج مبرم به آن پیدا کنم. سپس اسب و شمشیر را به اذکوتین تسلیم کردم. تا اینکه یک روز در جای خود نشسته بودم و به حل و فصل کارها می‌پرداختم ناگهان دیدم ابوالحسن اسدی بیامد؛ و نامه‌ای از مولی حضرت صاحب‌الامر (ع) بیرون آورد که نوشته بود: ای احمد بن حسن! هزار دیناری را که نزد تو داریم و پول اسب و شمشیر است به ابوالحسن اسدی تسلیم کن پس بر روی زمین افتادم و خدا را شکر گذاردم؛ و دانستم او حجت خداست زیرا هیچ‌کس غیر از خودم از آن مطلب اطلاع نداشت (طبری آملی صغیر، 1413 ق: 519). این روایت‌ها حاکی از فرستادن پیک و قاصد از شیعیان منطقه کرمانشاهان در عصر غیبت صغری به محضر امام عصر علیه‌السلام به‌منظور رساندن وجوهات شرعی خود به دست امام و گرفتن پاسخ مسائل شرعی صورت گرفته است. یکی دیگر از افراد موثق و مورد اعتماد مردم ناحیه و اطراف دینور «احمد بن اُبی روح» بوده است که در دومرتبه اموالی را از مردم شهر دینور و قرمیسین تحویل می‌گیرد تا به امام عصر ارواحنا فداه در سامراء و نائب ایشان در بغداد برساند. در حکایت

اول، عاتکه دختر دیرانی که زنی از اهل دینور بوده، مقداری اموال به احمد بن ابی روح می‌دهد تا تحویل امام دهد و ایشان اموال را تحویل امام عصر (ع) در سامرا می‌دهد. آن حضرت در توقیعی به احمد بن ابی روح، درباره اموال عاتکه دینوری، شرح آن اموال را برای او بازگو می‌نماید (قطب‌الدین راوندی، 1409 ق: 2/699-702؛ بحرانی، 1413 ق: 170/8-173). در حکایت دوم، احمد بن ابی روح مالی را از ابی الحسن خضر بن محمد می‌گیرد تا ابی جعفر محمد بن عثمان عمری از نواب امام عصر ارواحنا فداه در بغداد برساند. در این حکایت احمد بن ابی روح، علاوه بر تحویل آن اموال به ابی جعفر محمد بن احمد، جواب سؤالات فقهی خضر بن محمد را از امام عصر ارواحنا فداه در یک توقیع صادرشده تحویل و به ابی الحسن خضر بن محمد می‌رساند (قطب‌الدین راوندی، 1409 ق: 2/702). همچنین در کتاب اعیان الشیعه در گفتاری که مربوط به بیان کرامات اعجاز آن حضرت و ذکر اسامی برخی از آنان که موفق به دیدار آن حضرت شدند و از کلام معجز انتظامش بهرمند گردیدند نام «حسن بن هارون» و «أحمد بن أخیه» و ابوالحسن (امین عاملی، 1403 ق: 1/71) به چشم می‌خورد. «ابوالحسن مادرانی» اسم او احمد بن حسن بن حسن و از خواص شیعه است که مدتی در ایام غیبت امام عصر ارواحنا فدا در قرمیسین به‌عنوان کاتب اذکوتین بن ساتکین ترکی، فرمانده ترک عباسی حضور داشته است. پس ارتباط مردم منطقه دینور با سازمان وکالت را از نقلی که ابوالعباس احمد بن محمد دینوری و احمد بن حسن مادرانی و احمد بن ا- بی روح افراد دیگری که در خصوص ارتباط آن‌ها با ائمه در این پژوهش به اسامی آن‌ها اشاره کردیم حاکی از سابقه ارتباط بین مردم این منطقه با سازمان وکالت و همین‌طور تقویت‌کننده احتمال وکالت این اشخاص در کرمانشاه است؛ و روایت‌هایی که نقل شد از شواهد تاریخی و روایی است که فعالیت سازمان وکالت در دینور و قرمیسین را تبیین می‌کند. هم‌چنین بر فعالیت کارگزاران سازمان وکالت در دینور، از طریق تعیین و اعزام وکیل به این منطقه و برقراری ارتباط مستمر بر شیعیان این نواحی صراحت دارد.

### نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در مقدمه بحث اشاره شد هدف اصلی از این تحقیق، تبیین نقش اصحاب ائمه در تامین امنیت در منطقه کرمانشاه است. در این تحقیق این نتیجه مهم به دست

آمد که در یک نگاه و منظر واقع بینانه، بسیاری از آموزه‌ها و تعالیم اسلامی به صورت مستقیم و یا نامستقیم با مساله مهم «امنیت» در ارتباط است. روشن شد که یکی از برکات و حسنات ایمان مذهبی، برخورداری شخص مؤمن و یا جامعه مؤمنان از امنیت است؛ بنابراین انگیزه‌ی رویکرد ائمه اطهار (ع) به سازمان وکالت به‌عنوان یک جریان فعال در جنب سایر فعالیت‌های امامان شیعه، در بخشی از مباحث گذشته اشاره شد. با توجه به وجود جو خفقان و اختناق و فشار شدید علیه امامان شیعه و عدم امکان ارتباط آزادانه و مستقیم آنان با شیعیان، ضروری بود گروهی نقش واسطه بین امام و شیعیان را بر عهده داشته باشند. علاوه بر آن، اگر چنین جوی نیز وجود نداشت، با توجه به گستردگی جهان اسلام در آن عصر و وجود شیعیان در مناطق گوناگون و لزوم ارتباط آنان با ائمه‌ی معصوم (ع) تشکیل چنین سازمانی ضروری می‌نمود. تا از یک‌سو، وجوه مالی شیعیان که عناوین گوناگونی نظیر زکات، نذورات، هدایا، خمس، توقاف و غیر آن‌ها را دربرمی گرفتند جمع‌آوری می‌کردند و به خدمت امام می‌رساندند و از سوی دیگر وظایف مهمی مانند نقش ارشادی، علمی، فرهنگی، سیاسی، ارتباطی و به‌طور کلی رفع مشکلات شیعیان در امور شخصی و جمعی از سوی امام بر عهده داشتند، چراکه حکومت دینی نیز موظف است که در برنامه‌ریزی‌های خویش یکی از محورهای عمده را تامین امنیت قرار دهد و در راستای تحقق آن از هیچ تلاشی دریغ نوزد.

## منابع

- قرآن کریم
- ابن اعثم کوفی، (1411 ق)، الفتوح، ج. اول، بیروت: دار الأضواء.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، (1372)، الفتوح (ترجمه)، ج. اول، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (1395 ق)، کمال الدین و تمام النعمه، ج. دوم، محقق و تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (1378 ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، محقق و تصحیح مهدی لاجوردی، ج. اول، تهران: نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (1380 ش)، علل الشرائع، (ترجمه: محمد جواد ذهنی تهرانی) ج. اول، قم: انتشارات مؤمنین.
- ابن طباطبائی، علوی اصفهانی، (1388 ق)، منتقله الطالبیه، نجف الاشرف: منشورات المطبعه الحیدریه فی نجف الاشرف، الطبعة الاولى.
- ابن عنبه حسنی، (م 828 ق)، (1417 ق)، عمدہ الطالب فی أنساب آل أبي طالب، قم: انصاریان.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (1416 ق / 1996 م)، لسان العرب، تصحیح: امین محمد، عبدالوهاب و محمد الصادق العبیدی، (بی تا)، داراحیاء التراث العربی، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی
- ابوالفرج اصفهانی، (1415)، الأغانی، بیروت: دار احیاء تراث عربی.
- احمدی میانجی، (1426 ق)، مکاتیب الأئمة علیهم السلام، قم: دارالحديث.
- اخوان کاظمی، بهرام، (1385)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوانان.
- اربلی، علی بن عیسی، (1382 ش)، کشف الغمه، مترجم: علی بن حسین زواره ای، محقق و تصحیح ابراهیم میانجی، چ سوم، تهران: اسلامیه.
- استیفن رابینز، (1387)، تئوری سازمان (ساختار و طرح سازمانی)، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، چ بیست و دوم، تهران: انتشارات شرقی.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد، (1927 م)، مسالک الممالک، اصطخری، لیدن، (تحقیق و تصحیح ابوزید، احمد بن سهل، چ اول، بیروت: دارصادر.
- امین عاملی، سید محسن، (1403 ق)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف، بی چا.

- امینی، محمد هادی. (بی تا). اصحاب امیرالمومنین علیه السلام و الرواۃ عنه. چ اول. بیروت: دارالکتاب الاسلامی
- انصاری دمشقی و شمس الدین محمد بن ابی طالب. (1382 ش). نخبه الدهر عجائب البر و البحر. تهران: انتشارات اساطیر.
- بحرانی، سید هاشم، (1413 ق)، مدینه معاجز الأئمة الإثني عشر و دلائل الحجج علی البشر، بی چا. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- بلاذری، (1988 م) فتوح البلدان. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر. (1417 ق). أنساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر.
- بیات، عزیزالله. (1367). کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران. چ اول. تهران: امیر کبیر.
- پیشوایی، مهدی. (1374 ش). سیره پیشوایان. چ دوم. قم: موسسات تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام.
- جباری، محمد رضا. (1382). سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه. چ دوم. قم: موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی.
- جعفریان، رسول. (1388 ش). اطلس شیعه. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- چکنگی، علیرضا. (1387 ش). فرهنگنامه تطبیقی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- حسنی رازی، سید مرتضی بن داعی. (1313). تبصره العوام فی معرفه مقالات الأنام. تصحیح عباس اقبال. تهران: مطبعه مجلس، بی چا.
- حسینی خاتون آبادی، سید عبدالحسین. (1352). وقایع السنین و الأعوام. (تصحیح: محمد باقر بهبودی) تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- حسینی واسطی زبیدی، محمد مرتضی. (1306). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالمکتبه الحیاء. بی چا
- حکیمی محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی. (1380). علی، الحیاء، ترجمه احمد آرام. چ اول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حلی، جعفر بن حسن. (1418 ق). المختصر النافع فی فقه الامامیه. چ ششم. قم: بی نا
- حمیری، محمد بن عبد المنعم. (1975 م). الروض المعطار فی خبر الأقطار. تحقیق الدكتور احسان عباس. بیروت: وکلاء و موزعون فی جمیع العالم.

- خزعلی. (1419 ق). موسوعه الإمام الجواد علیه السلام . قم: مؤسسه ولی العصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- دری نجف آبادی، قربانعلی. (1379). نگاهی به امنیت از منظر امیر مومنان (ع). فصلنامه حکومت اسلامی. سال پنجم، شماره 18.
- دینوری، ابو حنیفه. (1383 ش) اخبار الطوال. ترجمه: محمد مهدوی دامغانی. چ چهارم. تهران: نشرنی.
- دینوری، ابوحنیفه. (1960 م). الاخبار الطوال. تحقیق: عبدالمنعم عامر، مراجعه الدكتور قاهره: جمال الدین الشیال.
- روشندل، جلیل. (1374). امنیت ملی و نظام بین‌المللی. تهران: سمت.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (معاونت سنجش از دور جغرافیا- اداره کل جغرافیایی) فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور (شهرستان‌های کرمانشاه)
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (1414 ق). نهج البلاغه (للصبحی صالح). چ اول. قم: هجرت.
- شهرستانی، ابو الفتح محمد بن عبد الکریم، (1381 ق / 1961 م) الملل و النحل، تحقیق محمد سید کیلانی، بیروت، دارالمعرفه، بی‌چا،
- شهید ثانی. (1382). الروضه البهیة. (شیخ حسن قاروبی). چ سوم. بی‌جا: دارالتفیر
- شیخ مفید. (1387). اوایل المقالات فی المذهب و المختارات. ترجمه سعید واعظی. چ اول. تهران: آذینه گل مهر.
- طبرسی، احمد بن علی. (1403 ق). الاحتجاج علی أهل اللجاج. مشهد: مرتضی.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن. (1358). تفسیر مجمع البیان. ترجمه علی صحت. تصحیح رضا ستوده. تهران: مؤسسه انتشاراتی فراهانی. بی‌چا.
- طبری آملی صغیر. (1413 ق). دلائل الإمامه. قم: بعثت.
- طریحی، فخرالدین. (1375 ش). مجمع البحرین. تحقیق احمد حسینی. چ سوم. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (1373 ش). رجال الطوسی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المقدسه.
- علیزاده، علی اکبر. (1389). تاریخ و جغرافیای تاریخی گیلان غرب. کرمانشاه: باغ نی. بی‌چا.
- فرهنگ لغت دهخدا.

- فیاض، عبدالله. (1406 ق / 1986 م). تاریخ الامامیه و اسلافهم من الشيعة منذ نشأة التشيع حتى مطلع القرن الرابع الهجري. چ سوم. بيروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- قدامه بن جعفر. (1981 م). الخراج و صناعه الكتابه. شرح و تعليقه دکتر محمد حسين الزبيدي. بغداد: دار الرشيد للنشر.
- قزوینی، زکریا بن محمد. (1373 ش). آثار البلاد و اخبار العباد. ترجمه میرزا جهانگیر قاجار. چ اول، تهران: امیر کبیر.
- قطب راوندی. (1409 ق). الخرائج و الجرائح. چ اول. قم: مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- قمی، حسن بن محمد بن محمد حسن. (1385 ش). تاریخ قم. ترجمه: حسن بن علی بن عبدالملک قمی. تصحیح محمد رضا انصاری قمی. قم: کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (1407 ق). الکافی (ط - الإسلامیه). چ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کشی، محمد بن عمر. (1363 ش). رجال الکشی - اختیار معرفه الرجال (مع تعلیقات میر داماد الأسترآبادی). تحقیق و تصحیح مهدی رجایی. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (1429 ق). الکافی (ط - دارالحديث). چ اول. قم: دارالحديث.
- کمونه حسینی، عبد الرزاق. (1375). آرامگاههای پاک پیامبر (ص) و بزرگان صحابه و تابعین. ترجمه عبدالعلی صاحبی. چ دوم، بی.جا. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- کمونه حسینی، عبد الرزاق. (1387 ق). مشاهده العتره الطاهره. نجف اشرف: مطبعه الآداب فی نجف الاشرف.
- لويس معروف. (1362). المنجد. چ اول. تهران: انتشارات اسماعیلیان.
- محرمی، غلامحسن. (1378). تاریخ تشیع از آغاز تا پایان عصر غیبت صغری. چ هفتم. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- محمودی شریف الادریسی، ابو عبدالله بن ادريس. (1409 ق). نزهة المشتاق فی اختراق الافاق. بيروت: عالم الكتب.
- مردن، سیمون. (1379). تقابل فرهنگی در روابط بین الملل اسلام و غرب. ترجمه احمد علیخانی. تهران: انتشارات آرین.
- مسعودی. (1363 ش). مروج الذهب و معادن الجواهر مسعودی. قم: منشورات دار الهجره.

- معروف حسنی، هاشم. (1382 ش). زندگانی دوازده امام علیهم السلام. مترجم محمد مقدس. چ چهارم. تهران: امیر کبیر.
- میر احمدی، منصور شیرازی. (1388). «اکرم، عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی فقهی». فصلنامه علوم سیاسی. سال دوازدهم. شماره 48.
- ناصر مکارم شیرازی و دیگران. (1373). تفسیر نمونه. انتشارات دارالکتب الاسلامیه نوبختی. محمد. (1361). فرق الشیعه. ترجمه و تعلیق محمد جواد مشکور. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، بی چا.
- وطن دوست، رضا. «نگاهی به امنیت در آموزه های اسلامی». مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره 25، 1386: 102-113.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله. (1995 م) معجم البلدان. چ دوم. بیروت: دارصادر.

